

نگرشی بر نقش صنایع الدوله در نوسازی صنایع و استقرار نظام پارلمانی

علی اکبر تشکری*

علی اصغر چاهیان**

چکیده

در عصر ناصری، گسترش روابط با غرب نه تنها راهی برای ورود افکار و فناوری‌های تازه به ایران گشود، که فرایند چالش‌های سیاسی-اقتصادی این دوره در انقلاب مشروطه نمود یافت. در این میان، گذشته از تلاش روشن‌فکران غیرحکومتی در اصلاح ساختار سیاسی، در طیف حکومتی نیز ضرورت اصلاحات دل‌مشغولی گروهی از دولت‌مردان به‌شمار می‌رفت. بر این اساس، نقش مرتضی قلی خان صنایع‌الدوله از دو رویکرد اهمیت داشت: وجهت فرهنگی - سیاسی خاندان هدایت و از دیگر سو آشنایی با ساختارهای جدید غرب در عرصه‌های صنعتی و فکری. از این رو، چنانچه در عصر ناصری و تا پیش از وقایع مشروطیت، صنایع‌الدوله به بازسازی صنایع یا نمودی از اصلاحات توجه کرد، در حوادث آتی نیز با همیاری طیف اعتدالی مجلس، نقش شایان توجهی در استقرار نظام پارلمانی داشت.

کلیدواژه‌ها: دوره قاجار، خاندان هدایت، صنایع‌الدوله، صنعت، مشروطیت، نظام پارلمانی.

مقدمه

هرچند در قرن چهاردم هجری و نوزدهم میلادی موقعیت جغرافیایی و هم‌جواری ایران با هند

* استادیار دانشگاه یزد (نویسنده مسئول) atashakory@yahoo.com

** کارشناسی ارشد تاریخ aliasghar.chahian@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۲/۱۱، تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۴/۰۱

بر اهمیت سیاسی آن افزود، به تدریج تا دهه‌های پایانی قرن مذکور جنبه‌های اقتصادی - تجاری نیز در جلب قدرت‌های بزرگ تأثیر گذاشت. مؤلفه‌هایی نظیر استبداد سلاطین، عقب‌ماندگی در فناوری‌های جدید و فقدان درک صحیح دولت‌مردان از تحولات سیاسی غرب و بافت سستی حاکم بر حیات اجتماعی نه به مفهوم جامعه‌ای صامت و عاری از تغییرات بود و نه دال بر فقدان هر تلاشی در اصلاح وضع موجود. با این حال، اگر نیم قرن کنش‌ها و تضادهای سیاسی عصر ناصرالدین شاه در انقلاب مشروطه به بار نشست، به‌رغم تلاش‌هایی در نوسازی صنایع سستی، فقدان برنامه‌ای مدون در زمینه اقتصادی و دخالت قدرت‌های استعماری روس و انگلیس موانع عمده‌ای برای موفقیت چنین طرح‌هایی به‌شمار می‌رفتند.

بر این اساس، نوشتار حاضر بر آن است تا با نگاهی به این موانع کارکرد مرتضی‌قلی خان صنایع‌الدوله را از دو منظر تلاش در بازسازی صنعتی و استقرار نظام پارلمانی به بحث گذارد. او، که بر پایه حضور فعال خاندانش در ساختار سیاسی - فرهنگی عصر قاجار به مناصبی چون نیابت تلگراف‌خانه، وزارت داخله، وزارت خزانه و ضراب‌خانه، و وزارت پست دست یافت، چهره‌ای میانه‌رو در پدیدآوردن تغییرات به‌شمار می‌رفت.

سابقه خاندان هدایت در حیات فرهنگی عصر قاجار

نخستین چهره برجسته در خانواده هدایت رضاقلی خان بود که منابع نسبش را به کمال خجندی، شاعر قرن هشتم هجری، رسانده‌اند؛ همچنین از دیگر معاریف این خاندان اسماعیل چهارده کلاته‌ای بود که در اختلافات ایل قاجار با زندیان به‌دست زکی خان زند به قتل رسید (میرزا محمدعلی، ۱۳۶۲: ۲/ ۵۴۰-۵۴۱؛ هدایت، ۱۳۳۵: ۵۸۲). پس از اسماعیل چهارده کلاته‌ای فرزندش محمدهادی خان در آغاز سلطنت فتحعلی شاه، دو سالی مأمورخدمت به حسین‌علی میرزا، فرمانفرمای فارس، شد. رضاقلی از همان ایام کودکی که نزد ناپدریش در شیراز به‌سر می‌برد ضمن تعلیم علوم زمانه به شعر نیز علاقه‌مند شد و نخست به «چاکر» و سپس «هدایت» تخلص می‌کرد (افضل‌الملک، ۱۳۶۲: ۱۱۳). او که در بازگشت محمد شاه از جنگ هرات (۱۲۵۴ق) حامل پیامی از فریدون میرزا، فرمانفرمای فارس، به تهران بود، به توصیه حاجی میرزا آقاسی به دربار معرفی شد و شاه با اعطای لقب لله‌باشی تربیت فرزندش، عباس میرزا ملک‌آرا، را بدو سپرد. رضاقلی تا وفات محمد شاه از ملازمان بود و کتاب تذکره ریاض‌العارفین را به نام او تألیف کرد (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۲/ ۱۱۳۰-۱۱۳۱)، اما متعاقب با شورش پس از مرگ شاه و فرار

ملک آرا مدتی خانه نشین شد تا آن که در اوایل حکومت ناصرالدین شاه در رأس هیئتی سیاسی به دربار والی خوارزم، که تمایلات استقلال طلبانه داشت، اعزام و آن سفر را دستمایه تالیفی با عنوان *سفارت نامه خوارزم* قرار داد (آرین پور، ۱۳۵۰: ۱/ ۲۶۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۶: ۱۹۰۳/۳). پس از بازگشت از این مأموریت (۱۲۶۸ق)، به مدت پانزده سال ریاست دارالفنون و از ۱۲۷۶ق، نیابت وزارت علوم را نیز عهده دار شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۶: ۱۳۳۸/۳؛ بزرگامید، ۱۳۳۵: ۱۶-۱۷).

رضاقلی خان در ۱۲۷۲ق، تألیف کتاب *روضه الصفای ناصری* و در همین سال نگارش *مجمع الفصحا* را نیز به پایان رساند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۶: ۱۲۴۹/۳) و با کناره گیری از خدمات دولتی (۱۲۸۳ق) در مقام مربی مظفرالدین میرزا باقی عمر را در تبریز به تکمیل آثارش چون *شمس الحقایق و اجمل التواریخ* گذراند (همان: ۱۰۸۱)؛ همچنین با مدیریت و نظارت بر تألیف کتاب *فرهنگ انجمن آرای ناصری* در ردیف یکی از چهره های فرهنگی دوران ناصری جای گرفت (همان: ۱۶۶۴).

رضاقلی خان به هنگام وفات (۱۲۸۸ق) دو پسر به نام های علی قلی خان و جعفر قلی خان از خود به یادگار گذاشت که هر دو از ناموران عهد ناصری بودند (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۱۲۴/۲). علی قلی در زمان محمدشاه به حکومت فیروزکوه دست یافت (بامداد، ۱۳۷۱: ۴/ ۴۵۶) و با انتصاب پدر به ریاست دارالفنون همراه با یکصد تن از فرزندان اشراف و شاهزادگان در این مدرسه به تحصیل مشغول و در ۱۲۶۹ق، به ریاست کتابخانه آن منصوب شد (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۲/ ۱۱۲۰؛ بزرگامید، ۱۳۳۵: ۱۶-۱۷).

متعاقب با اعمال سیاست انگلیس در اوایل دهه ۱۲۷۰ق، برای گسترش خطوط تلگراف تا هندوستان و اهتمام شاه در انجام این مهم، علی قلی خان مأمور توسعه خطوط تا سلطانیه و تبریز شد (هدایت، ۱۳۵۵: ۶۲-۶۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۶: ۱۰۸۲/۳؛ بزرگامید، ۱۳۳۵: ۱۷). اقدامات او در اتصال تلگراف خانقین به تهران و بوشهر چنان مورد توجه قرار گرفت که به لقب *مخبرالدوله* شناخته شد (روزنامه شرف، ۱۳۰۰؛ *روزنامه دولت علیه ایران*، ۱۲۸۶؛ هدایت، ۱۳۵۵: ۶۲-۶۳). در واقع اقدامات *مخبرالدوله* نه تنها او را تا سطح وزارت تلگراف پیش برد، که عضویتش در مجلس شورای کبری، مجلس خاص وزرا، وزارت علوم، ریاست دارالفنون، مریض خانه دولتی، وزارت معادن، و برای مدتی کوتاه وزارت تجارت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۶: ۱۷۸۶/۳؛ افضل الملک، ۱۳۶۲: ۲۰۴)، زمینه مناسبی برای ارتقای فرزندان او را نیز فراهم آورد. او همچنین در کنار مناصب اجرایی، به هنگام تصدی

وزارت علوم، انتشار روزنامه‌ای با عنوان *دانش* (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۱۷۷)، تشکیل مجلس حافظ‌الصحة به منظور پیشگیری از بروز بیماری‌های ساری و استخدام معلمانی از آلمان و فرانسه برای تدریس در دارالفنون را در کارنامه فرهنگی خود داشت (یغمایی، ۱۳۴۷: ۶۲-۶۸).

علی‌قلی خان، مخبرالدوله، از خود چهار پسر و چندین دختر به یادگار نهاد که هریک در زمان حیاتش بر اعتبار خانواده هدایت افزودند. یکی از دخترانش به ازدواج میرزا جواد خان سعدالدوله درآمد که سرانجامی نیافت و به متارکه کشید (هدایت، ۱۳۵۵: ۱۴۵) و دیگری با میرزا محمد خان صدیق‌حضرت^۱، از مدرسان مدرسه سیاسی، وصلت کرد. از میان پسران، گذشته از صنایع‌الدوله که در این مقاله به او پرداخته می‌شود، حسین‌قلی خان مخبرالدوله، مهدی‌قلی خان مخبرالسلطنه و محمدقلی خان مخبرالملک نیز هریک جایگاه والایی در ساختار قدرت داشتند. حسین‌قلی به وزارت تلگراف راه‌یافت و پس از چندی معاونت پدر، از ۱۳۱۳ ق، به مدت ده سال تصدی این وزارت‌خانه را برعهده گرفت (بامداد، ۱۳۷۱: ۵/ ۸۹ - ۹۰). دو برادر دیگر نیز به همراه صنایع‌الدوله در زمره محصلان اعزامی به اروپا بود و علاوه بر زبان فرانسه و انگلیسی به سبب تحصیل در آلمان بر این زبان نیز تسلط یافتند (هدایت، ۱۳۵۵: ۲۶؛ هدایت، ۱۳۶۳ الف: ۱۱۴) هم‌زمان با خروج امین‌السلطان از ایران (۱۳۲۱ ق) مخبرالسلطنه به اروپا، امریکا، چین، و ژاپن سفر کرد^۲ و در وقایع مشروطه‌خواهی؛ نقش میانجی میان دربار و آزادی‌خواهان داشت. چنان‌که مخبرالملک نیز به‌رغم نپذیرفتن مقامی دولتی به وکالت در مجلس اول دست‌یافت (کسروی، ۱۳۵۴: ۱۶۷-۱۶۸).

مرتضی‌قلی خان

مرتضی‌قلی خان هدایت دومین پسر مخبرالدوله در شعبان ۱۲۷۳ متولد شد (چرچیل، ۱۳۶۹: ۱۱۴). در هفت سالگی در ردیف غلام‌بچگان سلطنتی درآمد و صرف و نحو عربی و مقدمات را فراگرفت. در مسافرت ناصرالدین شاه به عتبات (۱۲۸۷ ق) همراه با برادر کوچک‌ترش مهدی‌قلی خان (مخبرالسلطنه آینده) جزو غلام‌بچگان موبک شاه بود (هدایت، ۱۳۵۵: ۵؛ هدایت، ۱۳۶۳ الف: ۹۹؛ محیط مافی، ۱۳۶۳: ۱۷۴). در ۱۲۸۸ ق وارد دارالفنون شد و متکی بر موقعیت پدر و عمویش، جعفرقلی خان نیرالملک، (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۱۲۰/۲) عازم اروپا شد (هدایت، ۱۳۵۵: ۵؛ هدایت، ۱۳۶۳ الف: ۹۹؛ محیط مافی، ۱۳۶۳: ۱۷۴؛ چرچیل، ۱۳۶۹: ۱۱۴). در نخستین سفر اروپایی ناصرالدین شاه^۳

(۱۲۹۰ق/ ۱۸۷۳م) مخبرالدوله، که از ملازمان بود، مرتضی قلی خان را نیز برای تحصیل در لندن با خود برد، اما در برلن طی دیداری با ورنر سیمنس (Werner Siemens)، معلم مدرسه برلن و از دانشمندان برجسته آلمان در زمینه تلگراف، او را به یکی از نزدیکان سیمنس سپرد (هدایت، ۱۳۵۵: ۵). مرتضی قلی خان پس از پنج سال اقامت در آلمان در ۱۲۹۵ق به تهران بازگشت و این بار برادرش مهدی قلی خان را نیز برای تحصیل به برلن برد (هدایت، ۱۳۵۵: ۱۰؛ محیط مافی، ۱۳۶۳: ۱۷۴). سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا (۱۲۹۵ق/ ۱۸۷۳م) و اقامتی چند روزه نزد گیوم (gume) اول، فرصتی به صنایع الدوله داد تا در مقام منشی و مترجم شاه خود را جلوه گر سازد (هدایت، ۱۳۵۵: ۲۶؛ هدایت، ۱۳۶۳ الف: ۱۰۳؛ چرچیل، ۱۳۶۹: ۱۱۴).

به هر روی، مرتضی قلی خان پس از اتمام تحصیلات، علاوه بر کسب رتبه اول در رشته معدن و تجربه آموزی در کارخانجات صنعتی، با ذهنیتی متأثر از نظام سیاسی - اجتماعی اروپا (یغمایی، ۱۳۷۵: ۶۹) و خاصه فضای سوسیال دموکراسی حاکم بر آلمان (آدمیت، ۲۵۳۵: ۳۶۸) ق به ایران بازگشت (هدایت، ۱۳۵۵: ۲۸).

به واقع، آمیخته‌ای از روحیه ایران دوستی خاندان هدایت و آشنایی با زیرساخت‌های پیشرفت غرب در شکل دهی به حیات فکری صنایع الدوله تأثیری شگرف داشت. چنان که ناخرسندی اش در کلاس تاریخ از شکست خشایارشا در نبرد با یونانیان و حمله اسکندر به ایران (هدایت، ۱۳۵۵: ۷-۸) همراه با مطالعه در تحولات سیاسی - اقتصادی اروپا نشان از چنین ادعایی است؛ همچنین مواردی نظیر استفاده از قاشق در غذا خوردن، درحالی که خانواده هدایت آن را خلاف شرع می دانستند، و تقلید خانواده اش (بزرگامید، ۱۳۳۵: ۱۹-۲۰) از این بدعت را می توان معرف تأثیرپذیری از فرهنگ غرب در زندگی روزمره و تسامح اطرافیان در رعایت سنت‌های جاری دانست.

در بازگشت به ایران گرچه مرتضی قلی خان ابتدا به شغل تحویل داری^۴ در وزارت تلگراف منصوب شد (روزنامه دانش، ۱۲۹۹: ۶)، پس از چندی متکی بر تحصیلاتش در رشته معدن به نیابت وزارت معادن ارتقا یافت (روزنامه دانش، ۱۲۹۹: ۴). در این بین، علاقه مندی ناصرالدین شاه به کشف معادن نقره در اطراف تهران و نیز آموزش علم حساب به مظفرالدین میرزا در تبریز، زمینه‌های مناسبی برای درخشش او فراهم آورد؛ چنان که ازدواجش با زرین کلاه خانم^۵ (شعبان ۱۳۰۵)، دختر دوازده ساله ولیعهد، که بعداً لقب احترام السلطنه را از شاه دریافت کرد^۶ (اعتماد السلطنه، ۱۳۸۰: ۲/ ۲۳۴)، نه تنها در ارتقای

خانندان هدایت مؤثر شد، که خاصه در پادشاهی مظفرالدین شاه مخبرالدوله را در حلقه مشاوران حکومت تا مرز صدارت پیش‌برد (بزرگ‌امید، ۱۳۳۵: ۸۲).

بدین ترتیب، جایگاه خانوادگی و پیوند خویشی با دولت‌مردان چنان بر وجهت سیاسی و موقعیت مالی خانندان هدایت افزود که گستردگی املاک و مستغلات مرتضی‌قلی خان در مشهد مرغاب در نزدیکی شیراز، که محصول گندم آن به یزد و دیگر نواحی حمل می‌شد، (افشار، ۱۳۸۰: ۳۴) و اطراف اصفهان، در منطقه‌ای به نام خمسه و قادرآباد، (سالور، ۱۳۷۴، ۱۴۲۷/۲؛ هدایت، ۱۳۵۵: ۲۸۶) مزارع چای‌کاری سمنکده شمال و املاکی چند در اطراف تهران (چرچیل، ۱۳۶۹: ۱۱۴) او را در زمره زمین‌داران و اعیان متنفذ جای داد.

تشکیل نخستین ناوگان دریایی در خلیج فارس

از دیرباز فقدان ناوگان دریایی مهم‌ترین چالش ایران در خلیج فارس بود. به‌رغم کوشش‌های نادر شاه در ساخت کشتی، تلاش برای سیادت دریایی هم‌چنان تا عصر ناصرالدین شاه ادامه یافت.^۷ در این زمان مخالفت انگلیسی‌ها (کرزن، ۱۳۵۰: ۲/ ۴۷۵-۴۷۷) شاه را بر آن داشت تا کشتی‌های مورد نیاز را از آلمان تأمین کند؛ چنان‌که سابقه‌آشنایی مرتضی‌قلی خان با کشور مذکور باعث شد تا به همراه برادرش محمدقلی خان برای سفارش ساخت کشتی عازم شود (۱۳۰۱ق). کمی بعد نیز مخبرالدوله برای برقراری روابط سیاسی مأموریت یافت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۲۲۶؛ هدایت، ۱۳۶۳ الف: ۱۲۵-۱۲۷؛ راثین، ۲۵۳۵: ۲/ ۷۳۷). به‌رغم ادعای اعتمادالسلطنه، که گویا به‌سبب روابط نامطلوب با خانندان هدایت این سفر را در جبران خسارت ناشی از اقدامات مرتضی‌قلی خان می‌داند، کشتی خریداری‌شده، که پرسپولیس نامگذاری شد، به‌همراه کشتی کوچک‌تری که شوش نام‌گرفت در ربیع‌الاول ۱۳۰۲ق/ژانویه ۱۸۸۵ از بندر بریمر (bremer) راهی خلیج فارس شد (هدایت، ۱۳۵۵: ۴۲؛ هدایت، ۱۳۶۳ الف: ۱۲۵-۱۲۷؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۴۱۲؛ تقی‌زاده، ۱۳۷۲: ۳۳۰) و مبنایی برای تشکیل نیروی دریایی در عصر قاجار فراهم‌آورد (کرزن، ۱۳۵۰: ۲/ ۴۷۵).

البته هرچند اعتمادالسلطنه هزینه‌گزارف نگهداری پرسپولیس را عاملی برای به‌کار نگرفتن آن می‌داند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۰، ۲/ ۷۱۵)، گزارش کرزن از استفاده حاکم بوشهر از این کشتی در مسافری و برقراری امنیت (کرزن، ۱۳۵۰: ۴۷۶/۲)، پرداخت هزینه‌های نگهداری کشتی (شیبانی، ۱۳۶۶: ۲۳۳-۲۳۴؛ نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۱: ۱۳۳) و حتی تعمیر آن (۱۳۱۹ق) در یکی از بندرهای بمبئی (حبل‌المتین کلکته، ۲۲ محرم ۱۳۲۲: ۱۰) نشان از

بی‌پایگی چنین ادعاهایی است. ضمن آن‌که خرید این دو کشتی و استفاده از آن‌ها در خلیج فارس و کارون (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۰: ۶۶۹-۶۷۳)، کشتی شوش در مسیر کارون رفت و آمد داشت (کرزن، ۱۳۵۰: ۲/۴۷۷)، نه تنها احساس نیاز در کشتیرانی را تشدید کرد، که منجر به تأسیس وزارت بحری و اعزام عده‌ای به لندن برای کسب علوم مرتبط شد^۱ (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۰، ۲/۷۱۵؛ روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲۸۶)، همچنین در زمان مظفرالدین شاه نیز مرتضی قلی خان برای خرید کشتی جنگی از انگلستان مأموریت یافت (۱۳۲۰ق) که حاصل این سفر خرید ناوی با چند توپ موسوم به کشتی مظفری بود (صفایی، ۱۳۴۴: ۳۶۷؛ یغمایی، ۱۳۷۴: ۴۶-۵۱؛ راین، ۲۵۳۵: ۷۵۹).

مرتضی قلی خان در عرصه معادن و صنایع

به دنبال تحولات صنعتی اروپا و راهیابی تولیدات غرب به ایران عهد ناصری، کارآیی نداشتن صنایع داخلی بروز بیشتری یافت؛ چنان‌که در روند تکاپوهایی برای بازسازی صنایع و بهره‌گیری از دانش غرب میرزاتقی خان امیرکبیر جایگاهی خاص داشت. در تعاقب چنین رویکردی پسران مخبرالدوله، خاصه مرتضی قلی خان، در صدد انتقال آموخته‌های خود برآمدند که این مهم را در عرصه معدن و صنعت می‌توان مشخص کرد.

معدن

کشف معادنی در اطراف تهران (اواخر قرن سیزدهم هجری) همراه با تمایل ناصرالدین شاه در دهه آخر سلطنتش به فلزات گران‌بها سبب اقداماتی در شناسایی و استخراج معادن شد. چنین رویکردی که علاوه بر آزمندی شاهانه گویا معلول رکود اقتصادی و کسری عایدات دربار نیز بود، تلاش برای کشف طلا در مناطقی چون پس‌قلعه و دوشان‌تپه و شاه‌عبدالعظیم را در اولویت قرار داد.

با انتشار اخباری در ۱۲۹۸ق، دال بر احتمال وجود نقره در معدن پس‌قلعه و کشف طلا در منطقه دوشان‌تپه مخبرالدوله (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۷۲ و ۷۴) همراه با جمعی دیگر مأمور آزمایش و تأیید صحت خبر شدند. ارتقای مخبرالدوله به ریاست اداره معادن (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۱۴۶) و هم‌زمانی آن با قصد بازگشت پسرش مرتضی قلی خان از آلمان باعث شد تا او بنا به درخواست پدر، همراه با مهندسی آلمانی به نام مسیو دیچ (dich) راهی ایران شود. از جمله اقدامات این دو، تحقیق در مورد سیاه‌کوه و پس‌قلعه بود (صنیع‌الدوله، ۱۳۵۶: ۶۴-۶۶).

که انگیزه‌ای برای احداث کارخانه «سرب‌آب‌کنی» شد. تخصص مرتضی قلی خان و موقعیت مخبرالدوله نزد شاه او را به لقب صنایع‌الدوله (۱۳۰۴ق) (شیبانی، ۱۳۶۶: ۲۳۷؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۷۵۱) و ازدواجش با دختر ولیعهد ارتقا بخشید.

گرچه کارخانه مذکور، که با ۲۰ هزار تومان کمک مخبرالدوله راه‌اندازی شد، در عمل به‌سبب مخالفت کشورهای بزرگ صنعتی و دسایس درباریان سرانجامی نیافت. (بزرگ‌امید، ۱۳۴۱ الف: ۴۵۸). در واکاوی علل چنین ناکامی‌هایی می‌توان به نوشتار مخبرالسلطنه استناد جست که بر آن است:

معدن آبادکردن خرج دارد. خیال می‌کردند به حضور مهندس زمین سینه خودش را می‌شکافت و معادن بیرون می‌ریزد. ناصرالدین شاه شمش طلا می‌خواهد و در طبیعت تدارک نشده‌است (هدایت، ۱۳۵۵: ۷۶).

صنایع

احداث کارخانه نساجی

در تعاقب فراهم کردن بستری برای تحول صنعتی یکی از مهم‌ترین اقدامات صنایع‌الدوله را می‌توان در صنعت نساجی شاهد بود. صنایع بافندگی به‌رغم قدمت تاریخی در ایران، با وقوع انقلاب صنعتی در اروپا، دچار افتی چشمگیر شد. چرخه تولیدات از الگویی سنتی پیروی می‌کرد و هرچند در اوایل عهد ناصری، ۱۲۷۵ق، به ریاست محمود خان ناصرالملک چرخ بخار و دیگر وسایل مورد نیاز از روسیه خریداری شد، پس از مدتی (۱۲۷۹ق) از کار بازماند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۷۹-۴۸۲) به‌دنبال چنین اقداماتی، صنایع‌الدوله با حمایت مالی یکی از تجار تهران به نام حاج محمدتقی شاهرودی^۹ در صدد احداث کارخانه ریسمان‌ریسی (۱۳۱۲ق) برآمد. ادوات مورد نیاز را از کارخانه ویترتور (vintertor) سوئیس می‌خرید و در سال، سیصد خروار نخ به همراه تولیدات چلواری روانه بازار تهران می‌کرد (هدایت، ۱۳۵۵: ۷۴؛ هدایت، ۱۳۶۳ الف: ۱۲۹-۱۳۱؛ محیط مافی، ۱۳۶۳: ۱۷۴؛ اشرف، ۱۳۵۹: ۸۳-۸۴؛ قدسی، ۱۳۷۹: ۱۷۳/۲-۱۷۴؛ سپهر، ۱۳۸۶: ۱/۱۵۹).

درواقع اهمیت این اقدام را با لحاظ وضعیت نابهنجار صنایع بافندگی می‌توان محل توجه قرارداد. در شرایطی که عمده تجارت ایران در انحصار روس و انگلیس بود، رشد سریع بازرگانی خارجی توأم با ضعف سیاسی و نداشتن برنامه‌ریزی اقتصادی استفاده از کالاهای فرنگی را رونقی خاص داده بود. گرچه تولیدات داخلی کفاف نیازها را می‌داد، با

ورود پارچه‌های متنوع و ارزان انگلیسی، این تولیدات توان رقابت خود را از دست دادند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۸۱؛ جمالزاده، ۱۳۷۶: ۹۴؛ معزی، ۱۳۷۹: ۲۲۸). تنوع طرح و ارزانی پارچه‌های منچستر (manchester) به حدی بود که ابریشم و اطلسی و ماهوت در میان اعیان و پارچه‌های نخ‌ی و پنبه‌ای در دیگر طبقات اجتماعی اقبال عام یافت؛ بدین ترتیب، فقدان تمایل عمومی و ناتوانی در جذب سرمایه داخلی کارخانه مذکور را نیز مانند دیگر تلاش‌ها در بازسازی صنایع، نظیر کارخانه قندسازی کهریزک و کبریت‌سازی علی خان امین‌الدوله (سالور، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۸۰؛ جمالزاده، ۱۳۷۶: ۷۷؛ ناظم‌الاسلام، ۱۳۷۶: ۲/ ۱۵۲-۱۵۶)، دو سال پس از افتتاح، به تعطیلی کشاند.

دربارۀ عوامل دخیل در این موضوع با آن‌که اکثر منابع به دخالت‌های خارجی استناد کرده‌اند (هدایت، ۱۳۶۳ الف: ۱۲۹-۱۳۱)، اوضاع اقتصادی ایران را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. فقدان امنیت مالی و قانون مدون (← گزارش‌های انجمن مخفی پیش از مشروطیت در تاریخ بیداری ایران) (ناظم‌الاسلام، ۱۳۷۶: ۲۵-۲۵۶) و هماهنگ نبودن احکام شرع و عرف و آشفتگی وضع قضایی در اساس با روح سرمایه‌داری ناسازگار بود؛ چنان‌که در ضمن آن، گسترش روابط تجاری و نفوذ سرمایه‌های بیگانگان عملاً اقتصاد بدون پشتوانه و ناتوان در رقابت با کالاهای وارداتی را در معرض بیشترین خطر قرار می‌داد. طبق عهدنامه ترکمانچای، روس‌ها علاوه بر آزادی تجارت، حق گمرک صدی پنج را نیز برای اتباع خود در اختیار داشتند (انتسر، ۱۳۶۹: ۱۱۰)؛ امتیازی که در حد فاصل ۱۲۵۷-۱۲۹۰ ق، تدریجاً به الگویی در قرارنامه‌های بازرگانی ایران با دوازده دولت دیگر تبدیل شد، چنان‌که پس از انقضای مدت ده‌ساله قراردادها نیز به سبب ضعف سیاسی ایران همچنان پایدار ماند (یکتایی، ۱۳۴۰: ۳۹۸-۴۰۴). از این‌رو، اگرچه توسعه روابط تجاری با دیگر کشورها بر رونق بازرگانی و تعداد سرمایه‌داران ایرانی می‌افزود، به سبب نابرابری با نیروهای رقیب و نداشتن رشد طبیعی و درازمدت، روند تحولات عملاً به سوی ناکامی در سرمایه‌گذاری صنعتی و وابستگی به کالاهای خارجی پیش رفت؛ چنان‌که دو قدرت برتر روس و انگلیس نیز با دراختیارداشتن تجارت شمال و جنوب ایران (gilbar, 1986: 76-89)، ۷/۸ درصد از کل روابط تجاری را به خود اختصاص داده بودند.

در مجموع، افزون بر موارد اخیر ناتوانی حکومت در دریافت حق گمرکی از نخ وارداتی هند (هدایت، ۱۳۵۵: ۶۴) و بُعد مسافت کارخانه^۱ از مراکز پنبه‌خیز (بزرگ‌امید، ۱۳۳۵: ۸۲)

بزرگ‌امید، ۱۳۴۱ الف: ۴۵۸) صنایع‌الدوله را مجبور کرد حتی پس از تعطیلی کارخانه، برای بازپرداخت بدهی‌های معوقه، بخشی از دارایی‌های خود را در مشهد مرغاب فارس بفروشد (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۱: ۱/ ۳۷۱).

با این همه او یک‌مرتبه دیگر نیز در سلطنت مظفرالدین شاه و طی صدارت امین‌السلطان در صدد احیای صنعت نساجی برآمد. امین‌السلطان در ۱۳۱۶ ق با فرمانی امتیاز ریسمان‌ریسی، امور صنعتی و احداث کارخانجات مرتبط را به مدت ۵۰ سال بدو واگذار کرد. با واگذاری این امتیاز صنایع‌الدوله تا پنج سال از پرداخت عوارض و مالیات معاف بود و از سال ششم، بعد از وضع شش درصد بابت سرمایه و ده درصد بابت حقوق کارکنان، پانزده درصد از عایدات را به دولت می‌پرداخت (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۳۴۰۰۰۸۳۴۳).

بنابر چنین حکمی، که نشان از روابط مطلوب خاندان هدایت با امین‌السلطان و تحکیم موقعیت صنایع‌الدوله در پادشاهی مظفرالدین شاه داشت، او (در ۱۳۱۷ ق) با هوتم شیندلر^{۱۱} (Houtum-Schindlers) قرارداد همکاری بست (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۱۷ ق، ک ۲۲، پ ۸: ۱۸) و با استخدام مسیو کلیشر (clisher) فرانسوی، که از پیش به خدمت دولت ایران درآمده بود، او را به منظور تهیه ابزارآلات ریسندگی روانه بلژیک و اتریش کرد (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۱۷ ق، ک ۲۲، پ ۵: ۸ و ۱۴ و ۱۸ و ۳۳). به‌رحال، گرچه تا سالیان متمادی امتیاز مذکور در خانواده صنایع‌الدوله باقی ماند^{۱۲} و حتی روس‌ها نیز (در ۱۳۲۱ ق) موفق به اخذ امتیاز نخریسی نشدند، قلت اطلاعات موجود درباره ادامه یافتن فعالیت صنایع‌الدوله پس از ۱۳۲۱ ق، گویا با عزل امین‌السلطان و جانشینی عین‌الدوله مرتبط بوده است.

کارخانه آهنگری

مدتی پس از راه‌اندازی کارخانه ریسمان‌ریسی، صنایع‌الدوله در صدد احداث کارخانه آهنگری و آهن‌تراشی برآمد. با این‌که از زمان و مکان آن اطلاعات دقیقی در دست نیست، سفارش ساخت تعدادی پایه فلزی برای نصب فانوس‌های سلطنتی و شهرت آن‌ها به چراغ صنایع‌الدوله مبین حمایت و همراهی ناصرالدین شاه است. حمایتی که پایدار نماند (هدایت، ۱۳۵۵: ۷۴؛ هدایت، ۱۳۶۳ الف: ۱۲۹-۱۳۱؛ اشرف، ۱۳۵۹: ۸۳-۸۴). در نهایت کمبودهای مالی و بی‌میلی تجار برای شراکت منجر به تعطیلی کارخانه شد.

کارخانه ماهوت بافی

از جمله دیگر اقدامات صنایع الدوله تلاش در احداث کارخانه ماهوت بافی بود. او به هنگام ریاست مجلس (۱۳۲۴ق) امتیاز ساخت کارخانه مذکور را با حق مشارکت خارجی‌ها به دست آورد و برای جذب سرمایه با دیپلمات آلمان در تهران وارد مذاکره شد. در این میان گرچه آلمانی‌ها چنین مشارکتی را، از حیث تجاری و سیاسی، فرصتی برای ورود به عرصه اقتصادی ایران می‌دانستند، دخالت روس‌ها مانع از تحقق طرح شد (اشرف، ۱۳۵۹: ۶۶؛ مرکز اسناد امور خارجه، ص ۱۸، پ ۱۷، ک ۲۳، ۱۳۲۴ق).

احداث راه آهن

صنایع الدوله در رساله‌ای موسوم به *راه نجات*، که در واقع طرحی نظری برای پیشرفت اقتصادی - صنعتی ایران به شمار می‌رفت، ساخت راه‌های مبادلاتی را از جمله مسئولیت‌های دولت و عاملی در ازدیاد ثروت می‌داند؛ علاوه بر این، او در دفاع از ضرورت احداث راه آهن اوضاع اقتصادی کشورهای صاحب این فناوری را یادآور می‌شود که

تجربه سایر ممالک ثابت کرده است به واسطه ساخته شدن راه آهن اسباب‌های حمل و نقلی، که پیش از این در آن خاک رایج بوده، از کار بازنمی‌مانند، بلکه حاجت به وجود آن‌ها بیشتر می‌شود؛ زیرا که راه آهن از شاه‌راه می‌رود و قرایی که چند فرسخ از راه به کنار واقع اند امتعه خود را باید به سر راه بیاورند (صنایع الدوله، ۱۳۶۳: ۲۰).

به‌واقع، گرچه رساله مذکور در عصر مشروطه نگاشته شده، از سال‌ها پیش از این ایام نیز صنایع الدوله کشیدن خطوط راه آهن خاصه میان مازندران و تهران را سرلوحه اقدامات خود قرار داده بود.

در فاصله صدارت اتابک تا امین الدوله حاج محمدحسن امین‌الضرب با احداث هشت کیلومتر جاده ریلی برای حمل چوب از جنگل محمودآباد به مازندران، در احداث خطوط راه آهن پیشگام بود؛ اما خانواده امین‌الضرب، حاج محمدحسن و پسرش حاج حسین آقا، در حساب‌رسی از ضراب‌خانه به سه کروار تومان جریمه شدند و راه آهن محمودآباد در ازای ۷۰۰ هزار تومان در تصرف دولت قرارگرفت (صفایی، ۱۳۴۴: ۱/ ۳۶۷-۳۶۹).

صنایع الدوله با کسب اجازه از شاه این خط را تعمیر کرد و با امتداد آن تا روستای نور، برای استخراج آهن، علاوه بر گسترش راه‌های ارتباطی، برآن بود تا مشکل قحطی پایتخت را نیز چاره‌اندیشی کند؛ از این رو، به منظور اتصال انبار گندم و رامین به تهران با شرکتی آلمانی وارد

گفت‌وگو شد، اما در نهایت، نداشتن حمایت مالی حکومت و نیز تحریکات بیگانگان چنین راهکارهایی را ناکام گذاشت (همان: بامداد، ۱۳۷۱: ۳/۲۵۱). در مجموع، گزارش‌هایی در دست است که نشان می‌دهد به‌رغم قرابت نسبی و سببی صنایع‌الدوله با خاندان حکومتی، حمایت‌هایی که منابع از آن یاد می‌کنند چندان فراتر از جانب‌داری لفظی نبوده است؛ دریافت ۶۰۰ هزار تومان مساعده از تجارت‌خانه طومانیانس (محرم ۱۳۲۳)، در ازای گرو گذاشتن ۴۰ هزار ذرع از باغ ۸۰ هزار ذرعی وی که به علت ناتوانی در بازپرداخت، بعد از مرگش (۱۳۳۳ق) به نفع تجارت‌خانه مصادره شد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۳۶۰۰۰۰۹۴۴)، نیز اخذ وام از بانک شاهی (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۳۱۰۰۰۰۴۱۲) از جمله این شواهد است.

صنایع‌الدوله و نقش‌آفرینی در استقرار مشروطیت

در پیشبرد جنبش مشروطه‌خواهی، که از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران است، علاوه بر عللی که ریشه در تحولات عصر ناصری داشت، عوامل دیگری نیز در راهبری نهضت به‌سوی ساختار پارلمانی دخیل بود. گذشته از نخبگان اجتماعی نظیر روحانیان و بازاریان و تجار، در متن هیئت حاکمه نیز به‌سبب گسترش تماس با غرب و تأثیرپذیری از آن افرادی روی کار آمدند که انجام تغییراتی در ساختار سیاسی را ضروری می‌دانستند. در این میان خانواده هدایت، به‌سبب پیوند نسبی و حسن خدمت به شاهان قاجار و نیز داشتن تحصیلات عالی در غرب از موقعیتی برجسته برخوردار بودند.

به‌دنبال مهاجرت جمعی از علمای تهران به حضرت عبدالعظیم (۱۶شوال ۱۳۲۲) و امضای فرمان برپایی عدالت‌خانه (۱۶ذی‌القعدة) به‌دست مظفرالدین شاه، به‌منظور انجام اصلاحات در عدلیه و تدوین قوانین کمیسیون تشکیل شد که صنایع‌الدوله و برادرش، مخبرالسلطنه، چهره‌های شاخص اعضای آن به‌شمار می‌رفتند^{۱۳} (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۳۷/۲؛ کتاب نازنجی، ۱۳۶۳: ۱۵/۱). چنین رویکردی هرچند در ظاهر نشان از تمایل حکومت به اصلاحات داشت، در عمل عین‌الدوله، صدراعظم، نه‌تنها به گزارش‌های ارسالی وقعی نمی‌نهاد که حتی شاه را از امضای مواد نظام‌نامه، باز می‌داشت. با ناکامی در توشیح اعضا به‌رغم نظر احتشام‌السلطنه، که انجام‌دادن پاره‌ای اقدامات را ضروری می‌دانست، بر رأی صنایع‌الدوله مبنی بر سکوت تا برقراری شرایطی بهتر صحه گذاشتند (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۶: ۵۲۱-۵۲۳).

به‌واقع، هرچند این دو عضو برجسته شورا از اصلاح‌طلبان حکومتی بودند، در نحوه

عملکرد نماینده دو طیف مختلف به‌شمار می‌رفتند؛ چنان‌که در جلسه‌ای به دعوت عین‌الدوله (ربیع‌الاول ۱۳۲۲)، که برای بحث درباره ضرورت تأسیس عدالتخانه منعقد شد، احتشام‌السلطنه بر تأسیس پارلمان ملی و تدوین قانون اساسی تأکید کرد که با واکنش صریح درباریان مواجه شد (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۶: ۵۳۵؛ آدمیت، ۲۵۳۵: ۱/ ۱۵۸)؛ در مقابل، صنیع‌الدوله با رویه‌ای میانه‌رو بر آن بود تا ضمن حفظ اعتبار خود میان درباریان، جنبش برآمده از اجتماع را نیز سمت‌وسو دهد (تقی‌زاده، ۱۳۷۲: ۳۰۵؛ بزرگ‌امید، ۱۳۴۱ ب: ۲۵۲؛ سیاح، ۱۳۵۹: ۵۶۱).

به تعبیری دیگر، با آن‌که دامنه اعتراضات به مهاجرت کبری و تحصن جمعی کثیر از اهالی تهران در سفارت‌خانه انگلیس انجامید، دامنه خواست‌ها بیش از برپایی عدالت‌خانه نبود و به‌رغم بحث‌هایی که شماری از محصلان دارالفنون در باغ سفارت پیرامون نظام سیاسی مطرح می‌کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۱۰۸) اکثریت با مفاهیمی چون مشروطه و مجلس بیگانه بودند. از این‌رو خانواده هدایت سعی داشتند با بهره‌گیری از موقعیت خویش میان درباریان و همپای آن اعتماد نخبگان متحصن، که اعتبار ویژه‌ای برای دانش سیاسی صنیع‌الدوله قائل بودند، حلقه واسطی میان این دو طیف متضاد باشند (معاصر، ۱۳۵۳: ۱/ ۱۳۴؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۸۸ و ۱۹۹؛ ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۱/ ۲۵۵).

تدوین نظامنامه انتخابات

متکی بر این موضوع، در جریانات بعدی نیز صنیع‌الدوله ضمن پرچمداری طیف اعتدالی، هرگونه تندروی علیه حکومت را ناموجه می‌دانست. با صدور فرمان مشروطیت (۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴/ ۱۵ اوت ۱۹۰۶) و در نخستین جلسه مقدماتی مجلس شورای ملی (۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴)، که به‌منظور تدوین نظامنامه انتخاباتی برگزار شد، خانواده هدایت و مشیرالدوله نقش اصلی داشتند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۰۷؛ هدایت، ۱۳۵۵: ۱۴۲-۱۴۳؛ هدایت، ۱۳۶۳ ب: ۱۶؛ ناظم‌الاسلام، ۱۳۷۶: ۶۰۸/۱؛ نوایی، ۱۳۲۸: ۱۵-۱۸).

بی‌سابقه بودن چنین مباحثی در تاریخ سیاسی ایران و نیز بیماری شاه، نه تنها موجب تدوین سریع نظامنامه (۱۳ رجب ۱۳۲۴) و کسب مجوز از شاه (۱۹ رجب) شد، که در عمل بر تنظیم مفاد آن، مبتنی بر مآخذ قانونی فرانسه (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۱۳۸۹/۲؛ دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱/ ۸۶-۸۷)، نیز تأثیری خاص گذاشت.^{۱۴}

براساس چنین ضروریاتی است که با راهبری خانواده هدایت و مشیرالدوله، در اصل نوزدهم نظامنامه رسمیت مجلس به حضور وکلای تهران منوط شد، که یک سوم کل اعضا

را تشکیل می‌دادند. به دیگر روی، مرگ احتمالی شاه از سویی تشکیل مجلس را پیش از وقوع هر رخداد ناگواری ضروری کرد. از سوی دیگر، علاوه بر زمان‌بری انتخابات در کل ایران و کارشکنی معمول حکام، بُعد مسافت مناطق برگزارای انتخابات نیز عملاً شروع به کار مجلس را به تعویق می‌انداخت (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۶۲؛ براون، ۱۳۷۶: ۱۳۳-۱۳۴).

ویژگی دیگر نظامنامه، انتخاب نمایندگان بر مبنای طبقات شش‌گانه شاهزادگان، علما، اعیان، تجار، مالکان، و اصناف بود که با مخالفت روحانیان و شاهزادگان مواجه شد. تضادی که هرچند اصل نظامنامه را زیر سؤال می‌برد، هر طیف از زاویه‌ای خاص بدان می‌نگریستند. روحانیان، روشن‌فکران را بابتی‌های ناصرالدین شاهی و بی‌باوران به دیانت می‌دانستند؛ حال آن‌که درباریان چنین ضوابطی را، که به قصد تحدید سلطنت بود، عاملی بر تجزیه قوای مملکت تلقی می‌کردند.

باین‌حال، اگر تضاد برخی از روشن‌فکران با روحانیان احتمال نزدیکی دگراندیشان و شاهزادگان را فراهم می‌آورد، تفاوت نگرش به ساختار موجود و مخالفت درباریان با محتوای نظامنامه، که ورود اصناف و پیشه‌وران در کانون قدرت را مجاز می‌شمرد، مانع از همراهی آن دو بود (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۲/۳۹۳؛ دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱/۸۶-۸۷).

به‌هر روی، نظامنامه مذکور را که افرادی چون صنایع‌الدوله، ملک‌المکملین، و دولت‌آبادی مقدمه‌ای بر قانون اساسی می‌دانستند

...پس از کشمکش بسیار بر طبق انتخابات طبقاتی نوشته شد و به صحنه شاه رسید و در نتیجه قدم اول که یک قدم اساسی بود به‌نفع طبقه عامه و میل آزادی‌خواهان برداشته شد (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۲/۳۸۹).

انتخابات و محوریت خاندان هدایت

گام بعدی در استقرار مشروطه برگزاری سریع انتخابات پیش از مرگ شاه بود. براین اساس متعاقب با امضای نظامنامه، عده‌ای از طبقات گوناگون اجتماعی در مدرسه نظام جمع شدند تا نمایندگان پایتخت را برگزینند. در این میان به‌رغم آن‌که افرادی چون سادات لاریجانی و تهرانی قصد اخلال داشتند، ممانعت مخبرالسلطنه^{۱۵} و دفاعیه‌اش در مجلس از این اقدام را می‌توان نمودی از واهمه مشروطه‌خواهان دانست.

من سعی در انجام کار داشتم که فرصت از دست نرود و الا در آن موقع کی به جزئیات آشنا بود و اگر به تعلل می‌گذشت مظفرالدین شاه از دست می‌رفت و مشکل بود وسیله

انتخابات به دست بیاید. نیت شاه [محمدعلی شاه] را کسی جز من نمی دانست؛ همه کناره گیری می کردند» (هدایت، ۱۳۵۵: ۱۴۲؛ هدایت، ۱۳۶۳: ۱۷).

به هر حال، هریک از طبقات مذکور نماینده خود را انتخاب کردند، اما تجار مشارکشان را منوط به انتخاب ناصرالملک یا صنیع الدوله کردند؛ چنان که در نهایت با کناره گیری ناصرالملک (سپهر، ۱۳۸۶: ۲/ ۱۰۴۴-۱۰۴۵؛ قدسی ۱۳۷۹: ۱۷۰/۲)، صنیع الدوله به همراه برادرش، مخبرالملک، برادرزاده اش، حسنعلی خان نصرالملک، شوهر خواهرش، صدیق حضرت، و سعدالدوله^{۱۶}، داماد سابق خانواده هدایت، به مجلس راه یافتند (کسروی، ۱۳۵۴: ۱۶۷-۱۶۸؛ ناظم الاسلام، ۱۳۷۶: ۱/ ۶۳۳؛ سپهر، ۱۳۸۶: ۲/ ۱۰۴۴-۱۰۴۵).

صنیع الدوله در مقام ریاست مجلس

در عصر ناصری هم زمان با سیر اقتصاد کشاورزی به سوی تجارت و گسترش روابط بازرگانی با غرب، که بستر مناسبی برای مداخله روس و انگلیس در اقتصاد ایران بود، تجار نیز با هدف مخالفت با واگذاری امتیازات وارد عرصه سیاسی شدند؛ در واقع، هرچند نداشتن سیاست اقتصادی مشخص و تنوع و کثرت کالاهای وارداتی مانع از رقابتی تجاری و در نتیجه افت صادرات ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم شد، حضور تجار در برخی از طرح های صنعتی نشان دهنده تمایل ایشان به سرمایه گذاری داخلی، مشروط به تضمین سرمایه، بود. بر این اساس، بر پایه عواملی نظیر نقش شایان توجه صنیع الدوله در عرصه صنایع، همراهی نکردن تجار بزرگ با جریان های افراطی یا مغایر با ساختار سیاسی (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴: ۵۵)، سابقه همکاری حاج محمدتقی شاهرودی، از تجار برجسته تهران و نماینده دور نخست مجلس، در احداث کارخانه ریسمان ریزی (علوی، ۱۳۶۳: ۹۶-۹۷)، نگرش طبقاتی تجار به مشروطیت و انتظار ایشان به بهبود شرایط نه تنها در عرصه انتخابات به حمایت ایشان از خاندان هدایت منجر شد، که در تعیین صنیع الدوله به ریاست مجلس نیز مؤثر افتاد.

به دنبال تشکیل نخستین جلسه مجلس (شعبان ۱۳۲۴/ اکتبر ۱۹۰۶)، که با حضور شاه، وزیران، نمایندگان، سفیران خارجی و اعیان و اشراف برگزار شد، روز بعد وکلای تهران به منظور تعیین ریاست در مدرسه نظام گرد آمدند (کسروی، ۱۳۵۴: ۱۷۰؛ قدسی، ۱۳۷۹: ۱۸۶/۲؛ ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲/ ۴۰۰؛ هدایت، ۱۳۵۵: ۱۴۲-۱۴۵). در میان هیئت رئیسه، گرچه تمایلاتی به سعدالدوله و احتشام السلطنه به چشم می خورد هیچ یک نه حضور داشتند و نه آن که هم وزن صنیع الدوله بودند؛ چنان که بنابر کتاب *خاطرات و خطرات*:

مجلس تغییر ماهیت نمی‌دهد و عامه نمی‌دانستند مشروطیت چیست، انقلابی شنیده بودند. سعدالدوله مدتی داماد ما بود و او را خوب می‌شناختیم، نویدهایی نیز عملی می‌داد. احتشام‌السلطنه تند است، لکن به مسلکی ایمان دارد. سعدالدوله کند است و نرم‌زبان است و به مسلکی ایمان ندارد (هدایت، ۱۳۵۵: ۱۴۵).

با چنین تحلیلی از شخصیت رقیبان، صنایع‌الدوله به ریاست انتخاب شد؛ نیابت اول مجلس به میرزا حسن وثوق‌الدوله و نیابت دوم آن به حاج حسین آقا امین‌الضرب سپرده شد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۳۹؛ محیط مافی، ۱۳۳۳: ۱۷۳). در مجموع، نه تنها حمایت تجار در گزینش صنایع‌الدوله مؤثر افتاد، که از دیگر سو جریان روشن‌فکری نیز، که از سال‌ها قبل در پی آزادی و قانون بود، او را علاوه بر آگاهی سیاسی و آشنایی با نظام پارلمانی، به سبب پیوند خویشی با شاه و روابط مطلوب با مشروطه‌خواهان، چهره‌ای شاخص در وساطت میان دربار و مجلس می‌دانست. پس از انتخاب هیئت‌رئیس، صنایع‌الدوله در نخستین اقدام، با اعلام چند روز تعطیلی مجلس همراه با تنی چند از وکلا به تهیه نظام‌نامه داخلی مشغول شد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۳۹؛ هروی خراسانی، ۱۳۳۱: ۸۲). ناظم‌الاسلام در ضرورت چنین اقدامی می‌نویسد:

... امر اول آن‌که اهل مجلس از اول امر عادت نکنند که بدون نظام‌نامه مجلس کنند. امر دویم دولتیان واهمه نکنند و رأی اعلی حضرت را منصرف نمایند و بدانند مجلس ضرری به آن‌ها ندارد. یک امر دیگر هم تصور می‌شود و آن این است که مسامحه بکند تا کتابچه‌های قوانین که از خارجه خواسته است برسد؛ در هر صورت، اگر صنایع‌الدوله مانعی در جلو خود نبیند، به قاعده حرکت خواهد کرد؛ چه، هم خودش عالم است و هم برادرهایش، که با او متفق و متحدند (ناظم‌الاسلام، ۱۳۷۶: ۱/۶۴۶).

البته متعاقب تدوین نظام‌نامه و الزام وکلا به رعایت نظم داخلی بنا به خواست نمایندگان و به سبب کمبود فضا و مجاورت با دربار، مکان تشکیل جلسات از مدرسه نظام به بهارستان^{۱۷} (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۳۸؛ هدایت، ۱۳۵۵: ۱۴۲ و ۱۴۵؛ تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۷۳) - تغییر یافت و همگام با آن روزنامه مجلس نیز شروع به کار کرد.

گذشته از این مقدمات، مهم‌ترین کارکردهای صنایع‌الدوله را می‌توان در هدایت مباحث مجلسیان از مسائلی نظیر گرانی ارزاق و خواروبار به امور مالی، مسئولیت وزرا و به‌ویژه تدوین قانون اساسی شاهد بود؛ چنان‌که با ورود نمایندگان تبریز و سعدالدوله به مجلس کمیسیون‌هایی شکل یافت که از میان آن‌ها مالیه و عدلیه و تحقیق پیشنهاد صنایع‌الدوله بود (کسروی، ۱۳۵۴: ۱۷۱؛ ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۲/۴۰۰؛ صفایی، ۱۳۴۴: ۳۷۱؛ مجدالاسلام، ۱۳۵۶: ۲۳۹-۲۴۲؛ میرزاصالح، ۱۳۸۴: ۶۶).

تدوین قانون اساسی و نقش خاندان هدایت

نهضت مشروطه خواهی، که با حضور طیف های گوناگون اجتماعی به ثمر رسید، جنبشی طبقاتی نبود و از این رو به رغم حملاتی به اشراف در مجلس اول و حتی تشکیل احزاب در مجلس دوم، تضاد طبقاتی مفهومی مطابق با اصطلاحات رایج سیاسی نداشت (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۲)؛ گرچه در مجلس دوره نخست، سخن از احزاب معقول نمی نماید، از حیث تفکر سیاسی و مشی عملی، دو جریان پارلمانی متأثر از هم را می توان تشخیص داد؛ یکی نگرش افراطی با آبشخور سوسیال دموکراسی روس که با وجهه تهییج قهر و خشونت و حتی تعرض به مصونیت پارلمانی نمایندگان ظاهر شد (آدمیت، بی تا: ۱۰۷)؛ دیگری طیف معتدل که اکثریت داشتند و تا پیش از این نیز نهضت ملی را بدون اعمال قهرآمیز رهبری کرده بودند (همان: ۴۱). در چنین شرایطی، که مبین افق فکری نمایندگان از فعالیت حزبی بود، مجلسیان با ریاست صنیع الدوله در صدد تدوین قانون اساسی برآمدند.

به سبب خطرهای ناشی از مرگ احتمالی مظفرالدین شاه و جانشینی ولی عهدی بی بهره از تربیت مشروطه خواهی و حتی نالایق در حاکمیت فردی (آدمیت، ۱۳۵۵: ۳۰)، در جلسه مقدماتی انتخاب هیئت رئیسه، ضمن بحث درباره قانون اساسی چند نفر بدین مهم مأموریت یافتند که در میان آنها اعضای دو خانواده هدایت و مشیرالدوله اهمیتی خاص داشتند. با توجه به نخستین تجربه نظام پارلمانی در تاریخ ایران، استقرار و نهادینه سازی آن محتاج قوانینی بود که نه در گذشته یافت می شد و نه آن که بیشتر مشروطه خواهان به سطحی فراتر از کسب آزادی و نهایتاً تأسیس مجلس اندیشیده بودند. بر این اساس، در فقر منابع عرفی، آشنایی صنیع الدوله با دو زبان آلمانی و فرانسوی (چرچیل، ۱۳۶۹: ۱۱۴) همراه با دانش حقوقی فرزندان مشیرالدوله (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۱۷۰؛ کسمائی، ۱۳۸۵: ۹۵) به تنظیم قانون نامه ای مبتنی بر قوانین بلژیک و فرانسه انجامید (ناظم الاسلام، ۱۳۷۶: ۱/ ۶۴۶).

آن ها همچنین به منظور تعلیم مبانی مشروطیت و ارتقای سطح آگاهی نمایندگان، جلساتی را در منزل صدیق حضرت تدارک دیدند (هدایت، ۱۳۵۵: ۱۴۲؛ هدایت، ۱۳۶۳: ب: ۱۶). اهمیت چنین اقداماتی در تنویر افکار و کلا به حدی بود که اعظام قدسی می نویسد:

اولین خانواده ای که از اول انقلاب تا پایان و افتتاح مجلس شورای ملی اول و تهیه قانون اساسی کمک و راهنما بودند، خانواده هدایت بودند ... مخبر السلطنه، مخبر الملک، صنیع الدوله که مانند یک استاد و معلم، کلاس درس برای روشن شدن افکار عموم در منزلش شب ها دایر بود. نویسنده خود یکی از شاگردهای آن مکتب بودم ... (قدسی، ۱۳۷۹: ۲/ ۱۸۷).

هم‌زمان با افتتاح مجلس، تهیه قانون اساسی به پایان رسید و برای امضا به دربار فرستاده شد. به‌رغم پیگیری مجلسیان، دربار با برخی از مواد آن مخالفت کرد که چنین وقعه‌ای از دو سو برای مشروطه‌خواهان خطرناک بود: مرگ شاه، که چندان نیز دور از انتظار نبود ده روز پس از امضای فرمان مشروطیت مظفرالدین روی داد و از دیگر سو، تعلیق طرح‌های مجلس در مواردی نظیر بانک ملی که بدون نظام‌نامه کسی حاضر به سرمایه‌گذاری نبود.

بدین ترتیب با اصرار و بازخواست نمایندگان، درباره پاسخ‌گونی هیئت حاکمه، صنایع‌الدوله گروهی شش نفره^{۱۸}، از جمله مخبرالملک، را تعیین کرد تا به همراه صدراعظم برای مطالبه قانون اساسی نزد شاه بروند (میرزاصالح، ۱۳۸۴: ۵۶). در واقع از نظر صنایع‌الدوله، مطالبه قانون اساسی حتی از احضار وزیران نیز مهم‌تر بود؛ چرا که وجود قانون نه تنها روند انتخابات در ایالات را سرعت می‌بخشید و مانع از دخالت حکام می‌شد، که اساساً بدون آن توجیه دولت ناممکن می‌نمود (همان: ۷۶).

سرانجام، با پیگیری‌های صورت‌گرفته متن پیشنهادی (در نهم ذی‌القعدة) با تصرفاتی به مجلس برگردانده شد. ولی از موارد اختلافی، مجلس سنا بود که درباریان خواهان اختیارات گسترده‌تر، تعیین اکثریت نمایندگان آن با نظر شاه و تأیید مصوبات پارلمان در این مجلس بودند.

با این اوصاف، صنایع‌الدوله با استفاده از نفوذ خود نزد شاه، نه تنها نظارت سنا بر مصوبات مالی مجلس را حذف کرد، که با رایزنی‌هایی انتخاب‌نیمی از نمایندگان سنا با نظر دولت و نیمی دیگر با رأی مردم را به تصویب رساند (همان: ۸۲) ابتکار عمل صنایع‌الدوله، که با همفکری وثوق‌الدوله صورت پذیرفت، عملاً بر اختیارات مجلس شورای ملی در اجرای مصوباتش صحنه می‌گذاشت؛ چنان‌که در مورد نخست ضمن بسترسازی در انجام اصلاحات مالی، (مخبرالسلطنه، ۱۳۶۳ الف: ۱۷۶ - ۱۷۷) اعطای هرگونه امتیاز یا استقراض از دیگر دولت‌ها را منوط به رأی مجلس می‌کرد و در مورد دوم به‌رغم پذیرش چنین نظارتی، امکان حضور نیروهای مورد اعتماد در ترکیب اعضای سنا را محتمل‌تر می‌ساخت.^{۱۹}

بدین ترتیب، لحاظ و پیشبرد چنین تدابیری معرف رویکردی دوسویه بود؛ با یکی سطح بینش نمایندگان میانه‌رو مجلس را ارتقا می‌داد که با حمایت از صنایع‌الدوله، در نقش حلقه واسط میان دربار و پارلمان، در صدد استقرار مشروطیتی نظام‌مند بودند و از دیگر سو، استفاده از نرم‌خویی مظفرالدین شاه، در قیاس با جانشینش که پرچمدار مستبدان بود، در تثبیت و نهادینه‌سازی مجلس در هنگام ورود محمدعلی میرزا به تهران (دوشنبه اول ذی‌القعدة ۱۳۲۴ ق)، که شاه آخرین ایام حیات خود را می‌گذراند. هراس و تعجیل مجلسیان

در توشیح قانون نامه به حدی بود که مخبر السلطنه می نویسد: «دکتر حاضر کردم تا شاه را به هر تدبیر نگاه بدارد» (هدایت، ۱۳۵۵: ۱۴۴). از این رو، اگر تاکنون وساطت خانواده هدایت و دیگر وابستگان اصلاح طلب حکومتی منجر به توافق مجلس و دربار شده بود، این همه منوط به تصویب پادشاهی محتضر شد که با فوتش امکان موفقیت بعید می نمود.

در نهایت و مبتنی بر شرایط مذکور صنایع الدوله همراه با احتشام السلطنه، تقی زاده، و وزرا متن قانون اساسی را با آخرین تغییرات به دربار تحویل دادند (چهاردهم ذی القعدة) و شاه پس از دو ساعت آن را امضا کرد (ناظم الاسلام، ۱۳۷۶: ۲/۳۵؛ براون، ۱۳۷۶: ۱۳۲؛ فتحی، ۱۳۵۲: ۲۲۴). با این مصوبه نه تنها طرح های مجلسیان موجودیتی قانونی یافت که در بُعدی وسیع تر مجلس، یا مرجع قانون گذاری، به رسمیت شناخته شد و امکان حذف آن از حیات سیاسی ایران ناممکن شد.

نتیجه گیری

به رغم نظراتی دال بر عقب ماندگی ایران عصر قاجار، تلاش هایی در اصلاحات سیاسی و تغییر از بافت سنتی به مدرن مغایر با چنین نگرش هایی است. اهمیت هند برای غرب در قرن نوزدهم، نه تنها ایران را در گردونه سیاست بین المللی قرار داد، که به خصوص از عصر ناصری، بر آشنایی ایرانیان با تحولات صنعتی و فکری اروپا افزود. گذشته از نخبگان غیردولتی، اقدامات قائم مقام فراهانی را می توان سرآغازی بر تشخیص ضرورت اصلاحات از متن هیئت حاکمه دانست. در تکوین چنین فرآیندی، گرچه از نقش میرزا تقی خان امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا علی خان امین الدوله سخن بسیار رفته است، در این میان جایگاه خاندان هدایت رویه ای دوسویه داشت. به رغم افراد مذکور، که اقداماتشان به موقعیت سیاسی آنها در مقام صدارت وابسته بود، خاندان هدایت از جایگاهی فرهنگی به ساختار سیاسی راه یافتند و به صورت شبکه ای از افراد فرهیخته نامبردار شدند. دیگر آن که تمایل ناصرالدین شاه به قدرتی صنعتی و درعین حال رقیب با روس و انگلیس در تلاش های صنایع الدوله به نوسازی صنایع ایران متکی بر کشورهای غیراستعماری و خاصه آلمان نمود یافت. چنان که تحصیلات عالی در حوزه معدن، همراه با فضای سیاسی و نگرش های سوسیال دموکراسی حاکم بر آلمان، در ساخت ذهنی او به ضرورت انجام اصلاحات صنعتی و سیاسی تأثیری خاص داشتند؛ بدین ترتیب، همگام با وجهت خانوادگی، وابستگی نسبی به شاه و کسب مدارج علمی از غرب بسته به شرایط زمانی می توان اقدامات او را به دو بُعد صنعتی و سیاسی تقسیم کرد.

تا وقایع مشروطه‌خواهی، عمده تلاش‌های صنایع‌الدوله در عرصه نوسازی صنعتی جلوه‌گر شد و پس از آن به سبب آشنایی با حیات سیاسی غرب نقشی کاربردی در هدایت خواست‌های عمومی به نظام پارلمانی داشت. در این میان، آنچه بر نقش کلیدی صنایع‌الدوله، همچون حلقه واسطی میان دربار و آزادی‌خواهان، صحنه می‌گذاشت آشنایی او با تفاوت فرهنگ سیاسی حاکم بر ایران و غرب بود؛ به دیگر روی، او به فراست دریافته بود که اگر حکومتگران هرگونه حصر قانونی قدرت را نمی‌پذیرفتند، اقدام‌های افراطی و عاری از شناخت نظام پارلمانی به قیام عمومی و هرج و مرج منتهی نمی‌شد. از این روست که صنایع‌الدوله با پرچمداری جناح اعتدالی مجلس نه تنها از تقابل دربار و مشروطه‌خواهان می‌کاست، که ضمن هدایت ایشان به اسلوبی مدون، در استقرار ساختار تازه تأثیری شگرف داشت.

پی‌نوشت

۱. میرزا محمد خان مظاهر صدیق‌الحضرت شوهرخواهر صنایع‌الدوله و معلم مدرسه علوم سیاسی در خانه خود به تجار و رؤسای اصناف بازاری درس حقوق اساسی می‌داد. بعدها صنایع‌الدوله درباره او گفت:
۲. در مورد شرح این مسافرت به مخبرالسلطنه، ۱۳۶۸: سفرنامه مکه، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: تیرازه.
۳. این سفر ناصرالدین‌شاه به دعوت فرانسوا ژوزف اول و برای بازدید از نمایشگاه بین‌المللی وین صورت گرفت و بعد از مسافرت به روسیه، پروس، بلژیک، انگلستان، سوئیس، و ایتالیا نهایتاً به وین رفت.
۴. در دوره قاجار، تحویل‌داری مربوط به امور قشون و نظامی بود و شخص تحویل‌دار را تحویل‌داری می‌گفتند. (مدرسی، ۱۳۸۰: ۱۲۹).
۵. متولد ۱۲۸۸ ق بود و در شعبان ۱۳۲۱ در سی و سه سالگی در تهران درگذشت. مرتضی‌قلی خان از او صاحب ده فرزند، چهار پسر و شش دختر، شد.
۶. ضمن اهدای لقب، دو حلقه انگشتر و سه طاقه شال و یک نیم‌تاج نیز از سوی شاه بدو اهدا شد.
۷. ← راین، ۲۵۳۶: ۲، صفحات مختلف.

۸. در زمینه امور دریایی اقدام دیگر فرستادن پنج نفر به اتفاق حاجی شیخ محسن خان سرتیپ، مستشار سفارت ایران در پاریس، به لندن بود که در آنجا به صواب دید ناصرالملک، وزیر مختار ایران، مشغول تحصیل علوم بحری شدند.
۹. حاجی محمدتقی شاهرودی اصفهانی بود، اما از آنجا که مدتی با شاهرود تجارت داشت و چندی در آنجا ساکن بود به شاهرودی معروف شد. او که با روسیه تجارت می کرد و از تجار تهران بود، از مشروطه خواهان و متحصنان در سفارت انگلیس بود. در دوره اول مجلس نماینده تجار در مجلس بود و در جمادی الاول ۱۳۳۶ درگذشت (علوی، ۱۳۶۳: ۹۶-۹۷).
۱۰. محل این کارخانه در باغی بیرون از دروازه دولت نزدیک عشرت آباد بود، که محل فعلی آن در گاراژی در خیابان سمیه، است. (← صفایی، ۱۳۴۴: ۳۶۲-۳۶۴).
۱۱. هوتم شیندلر ایران شناس، در ۱۸۷۹/۱۴۳۳ ق و به هنگام حضور در ایران کتابی در باب اوضاع ایران آن زمان نوشت و در دارالفنون هم حضور داشت (← سحاب، ۲۵۳۶: ۵۶).
۱۲. از جمله حاج رحیم آقا قزوینی است که در ۱۳۲۶ ق کارخانه ریسندگی در تبریز تأسیس کرد و در ۱۳۲۹ ق به دنبال اخذ امتیاز آن بود (← اشرف، ۱۳۵۹: ۸۳-۸۴؛ مرکز اسناد وزارت امور خارجه، «اخذ امتیاز کارخانه ریسندگی از جانب قزوینی» ص ۱۲-۱۳، پ ۲۳، ک ۲۱، ۱۳۲۷ ق).
۱۳. به غیر از آن دو مشیرالملک، مؤتمن الملک، علاء الملک، محتشم السلطنه، و احتشام السلطنه در این کمیسیون هفت نفره حضور داشتند.
۱۴. نظامنامه انتخابات در سی و سه ماده تهیه شد که بیست و چهار ماده آن درباره اصول انتخابات و شرایط وکلا و حوزه های انتخاباتی و نه ماده آن درباره شرایط و چگونگی انتخابات بود. درباره متن و مواد این نظامنامه ← میرزا صالح، ۱۳۸۴: *مذاکرات مجلس اول* ۱۳۲۴-۱۳۲۶، ۷۶۱-۷۶۳.
۱۵. نظامنامه پس از تهیه به نیرالدوله، حاکم تهران، داده شد تا انتخابات را اجرا کند، اما گویا او موافق نبود و قرار شد که مخبر السلطنه خود شخصاً انتخابات را برگزار کند (هدایت، ۱۳۶۳ ب: ۱۶؛ بزرگامید، ۱۳۴۱: ۲۵۲).
۱۶. میرزا جواد خان سعدالدوله، پسر عبدالجبار تذکره چی، تاجر تبریزی مدیر روزنامه وقایع/تفاهیه در دوره صدارت امیرکبیر بود که در صدارت عین الدوله به وزارت تجارت منصوب شد. او در ماجرای چوب زدن تجار به یزد تبعید شد و در زمان انتخاب ریاست مجلس هنوز از تبعید بازگشته بود. پیش از این، داماد خانواده هدایت بود ولی به سبب بد رفتاری با همسرش که به فوت او انجامید، و ناکامی در کسب ریاست مجلس در جبهه مخالف با صنایع الدوله قرار گرفت. او که بنابر نوشتار مخبر السلطنه شخصیت دوگانه ای داشت و پس از بازگشت از تبعید ابوالمله لقب گرفت، بعداً تغییر مسلک داد و به اردوگاه محمدعلی شاه پیوست (هدایت، ۱۳۶۳ الف: ۱۷۵).
۱۷. مجموعه بهارستان را میرزا حسین خان مشیرالدوله در ۱۲۸۷ ق ساخته بود و پس از مرگش به

تصرف ناصرالدین شاه درآمد. علاوه بر سکونت ولیعهد در آن‌جا به هنگام حضورش در تهران، مهمانی‌های دولتی و ضیافت‌های رسمی برای سفرای خارجی نیز در بهارستان برگزار می‌شد. این مجموعه شامل مدرسه و کتاب‌خانه و عمارت بهارستان می‌شد که عمارت خانه میرزا حسین خان بود و محل مجلس شورای ملی در تالار آیینه جنوبی قرار گرفت (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۷۳ و ۱۹۰؛ بزرگ امید، ۱۳۳۵: ۲۵۱).

۱۸. حاجی شیخ علی، مخبرالملک، میرزا ابوالحسن خان، حاجی معین‌التجار، حاجی سید نصرالله، عون‌الدوله و سید حسن بروجردی کسانی بودند که برای این کار انتخاب شدند و به دربار فرستاده شدند.

۱۹. قانون اساسی در ۵۱ اصل به تصویب رسید. ۱۱ اصل آن درباره تشکیل مجلس، اصل ۱۲ تا ۱۴ در خصوص طریقه سوگند یادکردن و اصل ۱۵ تا ۳۱ وظایف مجلس و حدود و حقوق آن، اصل ۳۲ تا ۳۸ در مورد چگونگی اظهار مطالب به مجلس شورای ملی، و اصول ۳۹ تا ۴۲ در مورد عنوان مطالب از مجلس و نه ماده آخر درباره شرایط تشکیل مجلس سنا بود. براساس آن، شمار اعضای مجلس سنا ۶۰ نفر پیش‌بینی شد که ۳۰ نفر آن‌ها را شاه و ۳۰ نفر دیگر را مردم انتخاب می‌کردند.

منابع

- آدمیت، فریدون (۲۵۳۵). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، ج ۱، تهران: پیام.
- آدمیت، فریدون (بی‌تا). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران مجلس اول و بحران آزادی*، ج ۲، تهران: روشنگران.
- آرین‌پور، یحیی (۱۳۵۰). *از صبا تا نیما*. ج ۱ و ۲، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۶). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی و لیلایی، تهران: نشر نی.
- اتحادیه (نظام‌مافی)، منصوره (۱۳۶۱). *مرام‌نامه‌ها و نظام‌نامه‌های تاریخ احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی*، تهران: تاریخ ایران.
- اتحادیه (نظام‌مافی)، منصوره (۱۳۸۱). *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت دوره‌های یکم و دوم مجلس شورای ملی*، تهران: تاریخ ایران.
- احتشام‌السلطنه، محمود (۱۳۶۶). *خاطرات احتشام‌السلطنه*، به‌کوشش سیدمحمد مهدی موسوی، تهران: زوار.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹). *موانع رشد سرمایه‌داری تاریخی دوره قاجاریه*، تهران: پیام.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۰). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۶). *مرآت البلدان*، با توضیحات و حواشی و فهراس، به‌کوشش عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، ج ۳، تهران: دانشگاه تهران.

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۸۰). *المآثر و الآثار چهار سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*، به کوشش ایرج افشار، تعلیقات حسین محبوبی اردکانی، ج ۳، تهران: اساطیر.
- افشار، ایرج و مهدوی، اصغر (۱۳۸۰) *یزد در اسناد امین‌الضرب*، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- افضل‌الملک، میرزا غلام‌حسین خان (۱۳۶۲). *افضل‌التواریخ*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام‌مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.
- انتز، مروین (۱۳۶۹). *روابط بازرگانی روس و ایران*، ترجمه احمد توکلی، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۱). *شرح رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴*، ج ۳ و ۵. تهران: زوار.
- براون، ادوارد (۱۳۷۶). *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مه‌ری قزوینی، تهران: کویر.
- بزرگ‌امید، ابوالحسن، مخبر همایون (۱۳۳۵). *از ماست که بر ماست*، بی‌جا: بی‌نا.
- بزرگ‌امید، ابوالحسن، مخبر همایون (۱۳۴۱ الف). *مشروطیت و صنایع‌الدوله و مخبرالسلطنه*، *ارمغان*، دوره سی و یکم، شهریور، ش ۶.
- بزرگ‌امید، ابوالحسن، مخبر همایون (۱۳۴۱ ب). *قتل صنایع‌الدوله*، *ارمغان*، دوره سی و یکم، دی، ش ۱۰.
- ترابی فارسائی، سهیلا (۱۳۸۴). *تجار مشروطیت و دولت مدرن*، تهران: تاریخ ایران.
- تقی‌زاده، سیدحسن (۱۳۷۲). *زندگی طوفانی خاطرات سید حسن تقی‌زاده*، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی.
- تقی‌زاده، سیدحسن (۱۳۷۹). *تاریخ انقلاب مشروطه*، به کوشش عزیز علیزاده، تهران: فردوس.
- جمالزاده، سیدمحمدعلی (۱۳۷۶) *گنج شایگان اوضاع اقتصادی ایران*، تهران: مجموعه موقوفات ایرج افشار یزدی.
- چرچیل، جورج پ (۱۳۶۹). *فرهنگ رجال قاجار*، ترجمه و تألیف غلامحسین میرزا صالح، تهران: زرین.
- حسینی فسائی، حاج میرزا حسن (۱۳۷۸). *فارسنامه ناصری*، تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسائی، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱). *حیات یحیی*، ج ۱ و ۲، تهران: فردوس.
- رائین، اسماعیل (۲۵۳۵). *دریانوردی ایرانیان*، ج ۲، تهران: جاویدان.
- روزنامه *حبل‌المتین* کلکته (۱۳۱۹ق).
- روزنامه *دانش* (۱۲۹۹ق). ش ۴ و ۶.
- روزنامه *دولت علیه ایران* (۱۲۸۶ق).
- روزنامه *شرف* (۱۳۰۰ق). ش ۷.
- سامعی، حسین (۱۳۸۰). *فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد شماره ۳۶۰۰۰۹۴۴ و ۳۱۰۰۰۰۴۱۲.
- سالور، قهرمان میرزا عین‌السلطنه (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور، ایرج افشار، ج ۳، تهران: اساطیر.
- سپهر، عبدالحسین خان ملک‌المورخین (۱۳۸۶). *مرات‌الوقایع مظفری*، ج ۱ و ۲، تهران: میراث مکتوب.

- سحاب، ابوالقاسم (۲۵۳۶). فرهنگ خاورشناسان، تهران: سحاب.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی خان (۱۳۷۰). تاریخ مستط و عمان بحرین و قطر و روابط آن‌ها با ایران، با تصحیح و حاشیه و پیوست‌ها از احمد اقتداری، تهران: دنیای کتاب.
- سیاح محلاتی، محمدعلی (۱۳۵۹). خاطرات حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح، تهران: امیرکبیر.
- شیبانی، میرزا ابراهیم (صدیق‌الممالک) (۱۳۶۶). منتخب التواریخ، تهران: علمی، مهارت.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۴۴). رهبران مشروطه، تهران: جاویدان علمی.
- صنایع‌الدوله، مرتضی قلی خان (۱۳۵۶). «گزارش صنایع‌الدوله به ناصرالدین‌شاه در مورد سیاه کوه و نظر معدن‌شناس آلمانی»، وحید، سیر دانش پژوهان، ش ۲۲۱.
- صنایع‌الدوله، مرتضی قلی خان (۱۳۶۳). راه نجات، به کوشش هما رضوانی، تهران: تاریخ.
- علوی، ابوالحسن (۱۳۶۳). شرح رجال مشروطیت، به کوشش حبیب یغمایی، تهران: اساطیر.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- فتحی، نصرالله (۱۳۵۲). زندگینامه شهید نیکنام ثقة الاسلام تبریزی (۱۳۳۰ - ۱۲۷۷) و بخشی از تاریخ مستند مشروطیت ایران، بی‌جا: نوریانی.
- قدسی (اعظام‌الوزاره)، حسن (۱۳۷۹). خاطرات من یا تاریخ صدساله، ج ۲، تهران: سوره.
- کاتوزیان تهرانی، محمدعلی (۱۳۷۹). مشاهدات و تحلیل سیاسی اجتماعی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کتاب نارنجی (گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران) (۱۳۶۳).
- به کوشش احمد بشیری، ج ۱، تهران: پرواز.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۵۰). ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- کسروی، احمد (۱۳۵۴). تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
- کسمانی، ابوالقاسم (۱۳۸۵). خاطرات ابوالقاسم کسمانی، به کوشش ایرج افشار، تهران: قطره.
- محیط مافی، هاشم (۱۳۶۳). مقدمات مشروطیت، تهران: فردوس.
- مجدالاسلام کرمانی (۱۳۵۶). تاریخ انحطاط مجلس، مقدمه و تحشیه محمود خلیل‌پور، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار: قشون و نظمیه، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- معاصر، حسن (۱۳۵۳). تاریخ استقرار مشروطیت، ج ۱، تهران: ابن‌سینا.
- معزی، حسام‌الدوله (۱۳۷۹). خاطرات حسام‌الدوله، تهران: ثریا.
- مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۱۷ق، ک ۲۲، پ ۸، ص ۱۸ - سال ۱۳۲۴ق، ک ۲۳، پ ۱۷، ص ۱۸.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۱ و ۲، تهران: سخن.
- میرزاصالح، غلامحسین (۱۳۸۴). مذاکرات مجلس اول ۱۳۲۶ - ۱۳۲۴ توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین‌الملل، تهران: مازیار.
- میرزا محمدعلی (معلم حبیب‌آبادی) (۱۳۶۲). مکارم الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ ق، ج ۲، اصفهان: کمال.

ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۷۶). *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، ج ۱ و ۲، تهران: پیکان.
نظام السلطنه مافی، حسین قلی خان (۱۳۶۱). *خاطرات و اسناد*، به کوشش معصومه نظام مافی، ج ۱ و ۲ و ۳، تهران: تاریخ ایران.

هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۵). *مجمع النصح*، تهران: امیرکبیر.

هدایت، مهدی قلی مخبر السلطنه (۱۳۵۵). *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار.

هدایت، مهدی قلی مخبر السلطنه (۱۳۶۳ الف). *گزارش ایران قاجاریه و مشروطه*، به اهتمام محمد علی صوتی، تهران: نقره.

هدایت، مهدی قلی مخبر السلطنه (۱۳۶۳ ب). *طلوع مشروطیت*، به کوشش امیر اسماعیلی، تهران: جام.

هدایت، مهدی قلی مخبر السلطنه (۱۳۶۸). *سفرنامه مکه*، به کوشش محمددبیر سیاقی، تهران: تیراژه.

هدایت، مهدی قلی مخبر السلطنه. «نکته‌هایی در تاریخ مشروطیت»، *آینده*، س ۱۹.

هروی خراسانی، محمدحسین ادیب (۱۳۳۱). *تاریخ پیدایش مشروطیت ایران*، مشهد: شرکت چاپخانه خراسان.

نوایی، عبدالحسین (۱۳۲۸). «جریان گشایش اولین مجلس و شورای ملی»، *اطلاعات ماهیانه*، س ۲، ش ۸.

یغمایی، اقبال (۱۳۴۷). «علی قلی خان مخبرالدوله دومین وزیر علوم»، *آموزش و پرورش*، دوره ۳۸، ش ۱ و ۲.

یغمایی، اقبال (۱۳۷۴). «هشتمین وزیر علوم مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله»، *نشر دانش*، س ۱۵، ش ۵.

یغمایی، اقبال (۱۳۷۵). *وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

GILBAR, Gad (1986) «The Opening Up of Qajar Iran: Some Economic and Social Aspects»

Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London, Vol. 49, No. 1.